

فهرست مطالب

ز	سخن ناشر
ح	نشان‌های اختصاری
۱	پیش‌گفتار چاپ اول
۵	پیش‌گفتار چاپ بیست و پنجم
۱۱	پیش‌گفتار چاپ بیست و هفتم
۱۳	پیش‌گفتار چاپ سی و چهارم
۱۵	پیش‌گفتار چاپ سی و هفتم
۲۱	مقدمه
۳۷	فصل اول : تعقیب کیفی
۳۷	مبحث اول : مرجع تعقیب
۳۷	گفتار اول : دادسرا، ویژگی‌ها و تشکیلات
۳۸	بند اول : تاریخچه دادسرا
۴۱	بند دوم : ویژگی‌های دادسرا
۴۱	الف) سلسله مراتب
۴۳	ب) وحدت دادسرا
۴۳	ج) استقلال دادسرا
۴۴	د) غیرقابل رد بودن
۴۵	ه) عدم مسؤولیت
۴۶	بند سوم : تشکیلات دادسرا

- ۴۶ الف) دادسرای دیوان عالی کشور
- ۴۷ ب) دادسرای عمومی و انقلاب
- ۴۸ ج) دادسرای نظامی
- ۴۸ د) دادسرای ویژه روحانیت
- ۴۹ گفتار دوم: دادسرا، از تکلیف تا اختیار تعقیب
- ۴۹ بند اول: اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب
- ۵۰ بند دوم: اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب
- ۵۱ مبحث دوم: جهات قانونی شروع به تعقیب
- ۵۲ گفتار اول: اقرار متهم
- ۵۳ گفتار دوم: شکایت شاکی
- ۵۶ گفتار سوم: وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس
- ۵۷ گفتار چهارم: اعلام جرم توسط دیگران
- ۵۸ بند اول: اعلام جرم توسط اشخاص عادی
- ۶۰ بند دوم: اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم‌نهاد
- ۶۲ بند سوم: اعلام جرم توسط مقامات رسمی غیر از ضابطان
- ۶۳ بند چهارم: اعلام جرم توسط ضابطان دادگستری
- ۶۳ الف) ضابطان دادگستری
- ۶۴ ۱- ضابطان عام
- ۶۵ ۲- ضابطان خاص
- ۷۵ ب) ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری
- ۷۷ ج) وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری
- ۷۸ ۱- در جرائم مشهود
- ۸۴ ۲- در جرائم غیر مشهود
- ۸۸ ۳- در برابر شاکی
- ۸۹ ۴- در برابر متهم
- ۹۲ مبحث سوم: شروط و موانع تعقیب
- ۹۲ گفتار اول: شروط خاص تعقیب برخی جرائم
- ۹۲ بند اول: لزوم شکایت شاکی خصوصی
- ۹۷ بند دوم: لزوم تحصیل اجازه از برخی مقامات

- ۱۰۰ گفتار دوم : موانع تعقیب دعوی عمومی
- ۱۰۱ بند اول : مصونیت‌ها
- ۱۰۱ الف) مصونیت سیاسی
- ۱۰۵ ب) مصونیت پارلمانی
- ۱۰۸ بند دوم : اناطه
- ۱۱۴ بند سوم : جنون متهم قبل از صدور حکم قطعی
- ۱۱۵ الف) جنون در هنگام ارتکاب جرم
- ۱۱۷ ب) جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی
- ۱۱۸ ج) جنون پس از صدور حکم قطعی
- ۱۲۰ مبحث چهارم : جهات سقوط تعقیب
- ۱۲۱ گفتار اول : جهات شخصی سقوط تعقیب کیفری
- ۱۲۱ بند اول : فوت متهم یا محکوم‌علیه
- ۱۲۳ بند دوم : گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت
- ۱۳۰ بند سوم : شمول عفو
- ۱۳۳ بند چهارم : توبه
- ۱۳۸ گفتار دوم : جهات عینی سقوط تعقیب کیفری
- ۱۳۹ بند اول : نسخ قانون
- ۱۴۱ بند دوم : اعتبار امر مختوم
- ۱۴۹ بند سوم : مرور زمان
- ۱۴۹ الف) دلایل موافقان و مخالفان
- ۱۵۱ ب) انواع مرور زمان
- ۱۵۶ ج) مبدأ مرور زمان
- ۱۵۸ د) قطع و تعلیق مرور زمان
- ۱۶۴ ه) قلمرو زمانی قواعد مرور زمان
- ۱۷۰ بند چهارم : اعمال قاعده درأ
- ۱۷۳ فصل دوم : تحقیقات مقدماتی
- ۱۷۴ مبحث اول : ویژگی‌های تحقیقات مقدماتی
- ۱۷۴ گفتار اول : کتبی بودن
- ۱۷۵ گفتار دوم : غیر توافقی بودن

- ۱۷۶ گفتار سوم : غیر علنی بودن
- ۱۷۷ گفتار چهارم : محرمانه بودن
- ۱۸۰ مبحث دوم: دسترسی به پرونده تحقیقات و برخورداری از وکیل مدافع
- ۱۸۰ گفتار اول : حق دسترسی به پرونده تحقیقات
- ۱۸۲ گفتار دوم : حق برخورداری از وکیل مدافع
- ۱۸۶ مبحث سوم : موارد عدم انجام تحقیق در دادسرا
- ۱۸۶ گفتار اول : عدم انجام تحقیق با وجود دادسرا
- ۱۸۷ بند اول : جرائم افراد زیر پانزده سال
- ۱۸۸ بند دوم : جرائم منافی عفت
- ۱۹۰ بند سوم : جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸
- ۱۹۲ گفتار دوم : عدم انجام تحقیق به علت نبود دادسرا
- ۱۹۳ مبحث چهارم : مرجع تحقیق و صلاحیت محلی
- ۱۹۳ گفتار اول : مرجع تحقیق
- ۱۹۶ گفتار دوم : صلاحیت محلی
- ۱۹۹ مبحث پنجم: اقدامات تحقیقی
- ۱۹۹ گفتار اول : تحقیق از شاکی
- ۲۰۰ گفتار دوم : تحقیق از شاهد و مطلع
- ۲۰۲ گفتار سوم : تحقیق از متهم
- ۲۰۲ بند اول : احضار متهم
- ۲۰۶ بند دوم : جلب متهم
- ۲۱۰ بند سوم : انتشار تصویر چهره متهم
- ۲۱۲ بند چهارم : دستور منع خروج از کشور
- ۲۱۳ بند پنجم : بازجویی از متهم
- ۲۱۸ بند ششم : اخذ آخرین دفاع
- ۲۲۰ گفتار چهارم : اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجی‌گری
- ۲۲۲ گفتار پنجم : تفتیش اماکن، بازرسی اشیاء، تأمین خواسته
- ۲۲۶ گفتار ششم : معاینه محل، تحقیق محلی، تشکیل پرونده شخصیت
- ۲۲۹ گفتار هفتم : جلب نظر کارشناس
- ۲۳۰ گفتار هشتم : نیابت قضایی

۲۳۲	مبحث ششم: قراردادهای تأمین و نظارت قضایی
۲۳۳	گفتار اول: قراردادهای تأمین کیفری
۲۳۴	بند اول: قواعد مشترک حاکم بر قراردادهای تأمین
۲۳۷	بند دوم: انواع قراردادهای تأمین
۲۳۸	الف) قرار التزام به حضور با قول شرف
۲۳۹	ب) قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام
۲۳۹	ج) قرار عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف
۲۴۰	د) قرار عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام
۲۴۱	ه) قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مرجع قضایی یا انتظامی
۲۴۱	و) قرار التزام مستخدمان رسمی
۲۴۳	ز) قرار التزام به عدم خروج از منزل
۲۴۴	ح) قرار کفالت
۲۴۵	۱- قرار اخذ کفیل
۲۴۷	۲- قرار قبولی کفیل
۲۵۱	ط) قرار وثیقه
۲۵۱	۱- قرار اخذ وثیقه
۲۵۲	۲- قرار قبول وثیقه
۲۵۵	ی) قرار بازداشت موقت
۲۵۵	۱- معایب و مزایای بازداشت موقت
۲۵۸	۲- موارد و شرایط صدور قرار بازداشت موقت
۲۶۲	۳- بازبینی قرار بازداشت موقت
۲۶۷	۴- مدت بازداشت موقت
۲۷۰	۵- جبران خسارت
۲۷۳	بند سوم: ضمانت اجرای قراردادهای تأمین
۲۷۵	الف) ضمانت اجراء نسبت به متهم
۲۷۶	ب) ضمانت اجراء نسبت به شخص ثالث
۲۸۲	بند چهارم: پایان اعتبار قراردادهای تأمین
۲۸۴	گفتار دوم: قراردادهای نظارت قضایی
۲۸۵	بند اول: انواع قراردادهای نظارت قضایی
۲۸۸	بند دوم: مدت و ضمانت اجرای قراردادهای نظارت قضایی

۲۸۹	مبحث هفتم: قرارهای نهایی
۲۹۲	گفتار اول : قرار منع تعقیب
۲۹۳	گفتار دوم : قرار موقوفی تعقیب
۲۹۴	گفتار سوم : قرار بایگانی پرونده
۲۹۶	گفتار چهارم : قرار توقف تحقیقات
۲۹۷	گفتار پنجم : قرار جلب به دادرسی
۲۹۸	مبحث هشتم: وظایف و اختیارات دادستان در تحقیقات مقدماتی
۲۹۸	گفتار اول : نظارت بر روند تحقیق
۳۰۱	گفتار دوم : انصراف از ادامه تعقیب
۳۰۷	نمایه

فصل اول : تعقیب کیفری

تعقیب کیفری متهم به ارتکاب جرم، از طریق طرح دعوی عمومی توسط دادسرا و به نمایندگی از جامعه به جریان می‌افتد. در رأس دادسرا، دادستان قرار دارد و مطابق ماده ۱۱ ق.آ.د.ک: «تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان... است.» به جریان انداختن تعقیب کیفری و یا به عبارتی طرح دعوی عمومی علیه برخی افراد تابع رعایت شرایط خاصی است، در برخی موارد ممکن است با موانعی روبرو شود و برخی موارد نیز ممکن است که ساقط شده و دیگر ادامه نیابد. در صورت اجتماع شرایط لازم و فقدان موانع تعقیب، تحقیقات مقدماتی انجام گرفته و مهم‌ترین مرحله تعقیب دعوی عمومی است که در دادسرا و در فاصله اندکی از وقوع جرم صورت می‌گیرد که خود تابع ضوابط معینی است. بنابر این، در هنگام مطالعه تعقیب کیفری لازم است که مقام تعقیب، شروط و موانع تعقیب و همچنین موارد سقوط آن بررسی گردد.

مبحث اول : مرجع تعقیب

امروزه مرجع تعقیب کیفری در بسیاری از کشورها از جمله ایران دادسراست. بنابر این، آشنایی با نهاد دادسرا، ویژگی‌ها و تشکیلات آن می‌تواند موجب شناخت بیشتر و بهتر مرجع تعقیب دعوی عمومی شود.

گفتار اول : دادسرا، ویژگی‌ها و تشکیلات

بررسی تاریخچه، ویژگی‌ها و تشکیلات دادسرا برای درک بهتر وظایف این نهاد در فرایند کیفری لازم است که در اینجا به تفکیک به آن پرداخته می‌شود.

بند اول : تاریخچه دادسرا

از لحاظ تاریخی،^۱ سابقه دادسرا به قرن چهاردهم میلادی در فرانسه باز می‌گردد. در این دوران، شاه در دادگاه‌ها نمایندگانی داشت که وظیفه مشخص آنها دفاع از منافع شاه در دادگاه و نظارت بر اجرای مجازات‌ها بود، مجازات‌هایی که بسیاری از آنها جریمه‌های مالی بودند و به خزانه سلطنتی واریز شده، منبع درآمد پادشاه محسوب می‌شدند. به تدریج، اختیارات این نمایندگان یا وکلای شاه افزایش یافت و صلاحیت طرح رسمی شکایات در دادگاه‌ها را پیدا کردند. بدین ترتیب، از اجتماع این نمایندگان شاه، هسته اولیه دادسرا شکل گرفت.

پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹، دادسرا که از نهادهای بازممانده از رژیم پیشین بود، حفظ شد اما اختیار شروع به تعقیب از آن سلب گردید. با این حال، اندکی بعد، معلوم شد که کاهش اختیارات دادسرا به سود جامعه نبوده و برای دفاع از منافع عمومی، دادسرا بازسازی شد و به صورت کنونی آن یعنی به عنوان مرجعی برای به‌جریان‌انداختن تعقیب کیفری و دفاع از دعوای عمومی در دادگاه درآمد.

در ایران، هنگامی که قانون موقتی اصول محاکمات جزایی^۲ در سال ۱۲۹۱ شمسی^۳ تصویب می‌شد، چون در این کار قوانین فرانسه مورد اقتباس بودند، نهاد

۱. نقل پیشینه دادسرا در فرانسه از: دکتر احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱،

چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۴، ص ۲۱۲.

۲. این قانون، به دلیل مواجه شدن با انحلال مجلس، از ابتدا به صورت موقت و آزمایشی، توسط هیأت وزیران به تصویب رسید، نه توسط مجلس شورای ملی. پس از تشکیل مجدد مجلس نیز، هیچ‌گاه این مصوبه دولت جهت تصویب نهایی در مجلس مطرح نگردید، ولی مجلس شورای ملی، بدون تصویب کل مواد آن، اصلاحات مهمی را در سال‌های مختلف بر پیکره آن وارد نمود. در سال ۱۳۱۷ نیز، همزمان با جایگزینی واژه‌های فارسی به جای کلمه‌های عربی در ادبیات حقوقی ایران توسط فرهنگستان زبان فارسی، نام این قانون به قانون آیین دادرسی کیفری تغییر یافت.

۳. مدتها در متون حقوقی، سال تصویب این قانون «۱۲۹۰ شمسی» ذکر می‌شد و حتی در رأی وحدت رویه شماره ۶۴۰ مورخ ۷۸/۸/۱۸ نیز از این قانون به عنوان قانون مصوب ۱۲۹۰ یاد شده

دادسرا از این طریق به حقوق ایران راه یافت. پس از آن در قانون اصول تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۰۷ نیز مرجع تعقیب تحت عنوان اداره مدعی العمومی و مقام تعقیب تحت عنوان مدعی العموم پیش‌بینی گردید. مطابق ماده ۴۹ این قانون: «مدعیان عمومی^۱ صاحباً منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت در اجرای قوانین موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند.»

مطابق این ماده، وظایف دادستان به طور کلی در دو امر خلاصه شده است: حفظ حقوق عامه، نظارت بر حسن اجرای قوانین. دادستان وظیفه اول را با به جریان انداختن تعقیب کیفری علیه متهم انجام می‌دهد تا کسی که گفته می‌شود با عمل خود به نظم عمومی لطمه زده محاکمه و مجازات گردد. در این کار، دادستان به نمایندگی از طرف جامعه عمل می‌کند و تعقیب متهمان وظیفه او به شمار می‌رود. با این حال، نباید چنین برداشت که دادستان وظیفه دارد متهم را به هر بهایی که شده به سوی مجازات قانونی هدایت نماید، بلکه چنانچه وی در پایان تحقیقات دریافت که متهم بی‌گناه است باید از ادامه تعقیب او خودداری ورزد و اگر در جریان محاکمه با دلایلی روبرو گردد که حاکی از بی‌گناهی او باشد، آنها را ابراز و زمینه صدور حکم برائت او را فراهم نماید. در واقع، وظیفه اول دادستان حفظ حقوق عامه است و جامعه از به کیفر رساندن متهمی بی‌گناه نفعی نمی‌برد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، دادسرا از نظام قضایی ایران حذف نشد و به کار خود ادامه داد. با این حال، در پی جلدی شدن انتقاداتی که پس از پیروزی انقلاب به تدریج نسبت به دادسرا شروع شده بود و از جمله بر فقدان این نهاد در قضای اسلامی تأکید و غیرشرعی بودن آن نتیجه‌گیری می‌شد،

← است. اما از آنجا که پس از تصویب موادی از قانون مذکور در سال ۱۲۹۰، کار تصویب آن سرانجام در سال ۱۲۹۱ به اتمام رسید، ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ هنگام استناد به این قانون و نسخ آن، تاریخ ۱۲۹۱/۵/۳۰ را تاریخ تصویب آن اعلام کرده است.

۱. مدعی عمومی یا مدعی العموم نامی است که در سال ۱۳۱۷، به کلمه دادستان تغییر یافت و اداره مدعی العموم، دادسرا نام گرفت.

قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تاریخ ۷۳/۴/۱۵ به تصویب رسید. این قانون اختیار انحلال دادرها در ظرف پنج سال را به رئیس قوه قضاییه اعطاء نمود و وی نیز ظرف کمتر از یک‌سال به بیش از هشتاد سال عمر دادرها در ایران خاتمه داد.^۱ اما دیری نپایید که مشکلات عملی فقدان دادرها و مقامی به نام دادستان نمایان و دستگاه قضایی کشور با دشواری‌های جدید دیگری روبرو شد. به همین دلیل، رئیس جدید قوه قضاییه که قانون فوق را موجد اشکالاتی برای مجموعه تحت مسؤلیت خود یافته بود، لایحه اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب را از طریق هیأت دولت به مجلس تقدیم نمود و قانون جدید در ۸۱/۷/۲۸ به تصویب مجلس رسید. بر اساس این قانون، دادرها دوباره ایجاد شده و فعالیت آنها از سر گرفته شد. هم‌اکنون نیز به موجب ماده ۲۲ ق.آ.د.ک حوزه قضایی و هدف از تشکیل دادرها چنین اعلام شده است: «به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرهای عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرهای نظامی تشکیل می‌شود.»

با این همه، وظایف دادرها به امور کیفری منحصر نمی‌شود و در امور حقوقی نیز وظایفی برعهده دارد. در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ موارد دخالت دادستان در امور و دعوی حقوقی «موارد ابلاغ» نامیده می‌شد و این موارد در ماده ۱۳۹ شامل: ۱- دعوی راجع به اموال و منافع و حقوق عمومی؛ ۲- دعوی راجع به دولت؛ ۳- دعوی راجع به وجوه بریّه و امور خیریه که جنبه عمومی داشته باشد مثل وصایای عمومی و اوقاف و امثال آن و ۴- دعوی راجع

۱. جالب اینکه با وجود حذف دادرهای عمومی و انقلاب، دادرهای نظامی و ویژه روحانیت با ایراد شرعی خاصی روبرو نشده، و همچنان به فعالیت خود ادامه دادند.